

خروجی جشن نوروزی وزارت ارشاد چه بود؟

جشن بی مردم



محمدحسین سلطانی خبرنگار

اگر به فیلم‌های جشن‌سال نوی فرنگی‌ها نگاه کرده باشید حتماً دیده‌اید که غربی‌جماعت عادت دارد برای جشن سال نو کنار برج‌ها یا نمادهای شهرشان جشن و شادی برپا کند. حتی همین پرزیدنت کنونی آمریکا هم، برای جشن سال نو در کنار برجش برنامه‌ها دارد. از طرف دیگر مردم آمریکایی هم که از جشن‌سال برج‌ها باخبر هستند ذوق‌زده از آتش‌بازی و مراسم‌های تاورها، در جشن‌های برجی حضور پیدا می‌کنند، درحقیقت جشن سال نو در کنار نمادهای شهر، هویت شهر ونسبت مردم با مراسمات و هویت شهر را برجسته می‌کند.
چندده هزار کیلومتر ای طرف‌تر و چند روز پس از مراسم سال نوی میلادی، مراسم سال نوی ایرانی برگزار می‌شود. تفاوت مراسم ایرانی با مدل غربی آن در این است که غربی‌ها هم همزمان با برگزاری مراسم آن را پوشش گسترده می‌دهند و تمام خبرگزاری‌ها را در پوشش این مراسم دخیل می‌کنند و به این ترتیب موجی از جمعیت را به سمت محل برگزاری روانه می‌کنند، نه اینکه با برگزاری یک مراسم حداقلی، از جمعیت چندده میلیون نفری تهران، نهایتاً به چند هزار نفر شرکت‌کننده قانع شوند.

حالا برگزارکننده این جشن بی‌سر و صدا کیست؟ وزارت ارشاد، درستش همین است. متولی بخشی از فراغت مردم و ارتباط هویتشان با مراسم‌ها وزارت ارشاد است. چقدر برای این مراسم و سمفونی نوروز ۱۴۰۴ هزینه کرده؟ بنا بر اطلاع «فرهیختگان» حدود ۲۰ میلیارد تومان. آیا مشخص شده این هزینه برای چه مسائلی صرف شده؟ تاکنون هیچ خبری را ارشاد نگفته. مهمانانش چه کسانی هستند؟ سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد، سیدرضا صالحی امیری وزیر میراث و گردشگری، عباس عراقچی وزیر امور خارجه، احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، یومیکو ایشیکاوا- تاکاشیما نماینده‌سازمان ملل در تهران، سفرای وزارت خارجه، میرجلال‌الدین کزازی، مهدخت معین و عبدالمهدی مستکین (معاون فرهنگی سازمان یونسکو در ایران)، حجت‌الله ایوبی دبیر ستاد جهانی نوروز و جمعی از مدیران فرهنگی و هنری. ساعت برگزاری چه زمانی است؟ بهترین زمانی که می‌شود یک مراسم برج‌جمیت را برگزار کرد؛ بعد از افطار جمعه، ۲۴ اسفند ماه ۱۴۰۳، حوالی ساعت ۸ تا ۱۰ شب. چقدر برای مراسم تبلیغ می‌شود؟ تقریباً نه صدایی از سیما می‌آید و نه خود وزارت فرهنگ برای پوشش مراسم کنشی انجام می‌دهد. حتی خبرگزاری‌ها هم برای مراسم دعوت نمی‌شوند و به جز چند تصویر که خبرگزاری دولت منتشر می‌کند هیچ خبر دیگری منتشر نمی‌شود. اصلاً کار را ساده‌تر کنیم. آیا مخاطبان این متن خبر جشن نوروز برج آزادی را شنیدند؟ با توجه به حجم پوشش این مراسم و کشش‌های مردم نسبت به چند خبر منتشر شده، می‌توان گفت جمعه‌شب ۲۴ اسفند ماه تقریباً

دربارهٔ خداحافظی استاد نصیریان ازعالم بازیگری

همیشه بزرگ‌آقا



هومن جعفری خبرنگار

شما از دسته آدم‌های اینترنتی نیستید آقای نصیریان. نمی‌شود اسم و رسم شما را در گولگ مسرج کرد و چند مطلب جداگانه برداشت و از هر کدام چیزی استخراج کرد و به یک متن جدید رسید. می‌شود، اما مزه نمی‌دهد. شما آدم باری‌به‌هرجعتی نیستید برای ما. قرار نیست وقت بی‌حوصلگی و سرلغوغی یاد شما بیفتیم. آدمی که می‌خواهد برای علی نصیریان چیزی بنویسد -و نه دلش کمی هم امیدوار باشد- که شاید نوشته به دست او هم برسد- باید بلد باشد این نوشتن را. آدایش را رعایت کند. آداب نوشتن برای‌علی نصیریان احتمالاً چیزی است شبیه به این.

نوشتدنی ایرانی

وقتی از علی نصیریان می‌نویسی، حق خوردن قهوه نداری. برای نوشتن از استاد، برای سبزی کردن دست‌کم یک ساعت وقت برای نوشتن چیزی می‌باید درجه از اهمیت، باید جای بغل دستت باشد. حالا نمی‌گویم جای در فنجان‌های کمر باریک قجری. آدم باید واقع‌بین باشد. مادر روزنامه جای را با ماگ می‌خوریم. قهوه را هم و هر نوشتدنی دیگری را. اگر در خانه‌ات نشسته بودی، اگر در حال دورکاری بودی و می‌گفتند چیزی بنویس برای استاد، شاید می‌شد از داخل گنجه ممنوعه، آن فنجان قشنگ‌ها را بیرون آورد، ولی سر کار که باشی، فقط روی میزت ماگ داری رفیق. به هر حال، برای نوشتن از آقای نصیریان، باید جای‌دم‌پرت باشد.

موسیقی ایرانی

اگر مثل من به وقت نوشتن عادت داری موسیقی با هدفون روی گوشت باشد که صدای دیگران را نشنوی، باید موسیقی ایرانی گوش کنی. یک چیز

خروجی جشن نوروزی وزارت ارشاد چه بود؟

هیچ صدایی از برج آزادی به بیرون درز پیدا نمی‌کند.

حدود دو هفته و چند روز پس از مراسم بی‌سروصدای برج آزادی و در شامگاه دوشنبه یازدهم فروردین ماه ۱۴۰۴، تالار وحدت میزبان سمفونی نوروز می‌شود. مهمان‌ها دوباره همان‌هایی هستند که دو هفته و چند روز قبل به مراسم برج آزادی آمده‌اند، البته به جز عراقچی که کم‌کم درگیر مذاکرات می‌شود و سیدرضا صالحی امیری که به مراسم نمی‌آید؛ سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و احمد میدری وزیر تعاون، کار رفاه و رفاه اجتماعی، راند فریدزاده رئیس سازمان سینمایی، محمد الیاری مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی، حجت‌الله ایوبی دبیر ستاد جهانی نوروز و جمعی از مدیران فرهنگی و هنری از حاضران در سمفونی نوروز هستند. مراسمی که حالا بدتر از مراسم برج آزادی، هیچ خبری از مردم عادی نیست و به جز مصاحبه کوتاه‌وزیر با چند خبرگزاری دیگر سروصدایی از مراسم بیرون نمی‌آید.

۲۰میلیارد برای میهمانی‌های وزرا، بدون شفافیت

شاید مهم‌ترین پرسش از ارشاد این است که دقیقاً این دو مراسم را برای چه کسی برگزار کرده؟ مراسمی که حجت‌الله ایوبی مسئول برگزاری آن است. ایوبی که سال‌ها چه در دولت‌های اصول‌گرا و چه اصلاح‌طلب معاونت وزیر را برعهده داشته از طرف سیدعباس صالحی، سمت دبیر ستاد اجرایی نکوداشت نوروز و عید فطر را برعهده می‌گیرد. اینکه چنین مسئولیت به فردی سپرده می‌شود که سمت معاونت وزیر و حتی مسئول کمپین انتخاباتی یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری در انتخابات ۱۴۰۳ را برعهده داشته، نشان می‌دهد سیدعباس صالحی به دنبال بهره‌وری حداکثری از چنین مراسمی بوده، با این حال برای حاصل کار ایوبی تنها یک کلمه می‌توان انتخاب کرد؛ ضعیف. از طرفی وزارت ارشاد دولت چهاردهم که تاکنون علاقه جدی برای شفافیت نشان داده و از هیچ تلاشی برای شفاف‌سازی فروگذار نکرده، بهتر است به فکر شفاف‌سازی هزینه‌های این ۲۰ میلیارد تومان هم باشد. با این حال، ارشاد دولت چهاردهم تاکنون مرغ خودش و نه دولت همسایه را غاز دانسته و شفاف‌سازی را برای دیگران ترجیح می‌دهد. به نظر می‌رسد ماجرای دورهمی‌های مسئولانه که به نام نکوداشت نوروز و عیدفطر برگزار شده، فرصت خوبی باشد برای این شفاف‌سازی‌ها که ببینیم هزینه‌کردهای دولت چهاردهم دقیقاً در کدام زمینه‌ها در حال خرج و مصرف است و آیا بهره‌وری که مدنظر وزیر ارشاد است اتفاق افتاده یا خیر؟

اینکه عدد ۲۰ میلیاردی برای یک مراسم فرهنگی، آن هم در اعیاد نوروز و عید فطر هزینه شود اصلاً چیزی بدی نیست و اتفاقاً با توجه به وضعیت کنش سایر اکران فرهنگی در مراسم‌ها، اتفاقاً لازم و واجب است اما مسأله اصلی این است که به ازای این ۲۰ میلیارد تومان چقدر برای دولت آورده ایجاد شده است؟ آیا مراسم برج آزادی را عده قابل توجهی از مردم دیده‌اند؟ آیا صرف

یک سمفونی و یک جشن با حداقل امکانات برای دو عید بزرگ ایرانیان و مسلمان کافی است؟ آیا نمی‌شد همین دو مراسم با سایر مراسم ارگان‌ها ترکیب شود و مخاطب بیشتر بگیرد؟ آیا نمی‌شد به جای سمفونی ایده بهتری برای یک مراسم مردمی داشت؟ همه این‌ها پرسش‌هایی است که می‌توان از مجری این مراسم یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پرسید. وزارتخانه‌ای که در برابر روحيات جمعی جامعه مسئولیت دارد و اگر بخواهد به صرف چند کنش بدون خلاقیت اکتفا کند، قطعاً به عنوان حلقه واسط میان مردم و دولت، کارکردش را از دست می‌دهد.

ارشاد در همین چندماهه اخیر که مسئولیت گرفته، چندین جشنواره و مراسم برگزار کرده، با این حال هیچ‌کدام از این مراسم‌ها و جشنواره‌ها مانند سینما حقیقت و جشنواره فیلم کوتاه، هنوز به شفافیت مالی نزدیک نشده‌اند و این نشان از دور بودن ایده شفافیت ارشاد از عرصه عمل دارد.

تاجیکستان که رفته بودید جناب ایوبی!

برای آنکه سطح کیفی مراسم نوروز ۱۴۰۴ از طرف دولت عیان شود، کافی است نگاهی بیندازیم به مراسم کشور دوست و برادر، تاجیکستان. همان کشوری که حجت‌الله ایوبی در سال ۱۳۹۱ از آن نشان عالی فرهنگ می‌گیرد و در پرتیرین افتخاراتش قرار می‌دهد. تاجیکستان همسایه برای جشن نوروز وری مراسمات غیررسمی خود مراسمی رسمی با حضور آحاد مردم دوشنبه برگزار می‌کند و عالی‌ترین مقام اجرایی مسئول تاجیکستان یعنی امام علی رحمان هم در آن حضور پیدا می‌کند. سـوای تفاوت‌های فرهنگی‌ای که میان مراسم نوروز در ایران و تاجیکستان وجود دارد، شاید توجه به مراسمات نوروز این کشور و مدل هنرینه‌گردشان و چگونگی جمع کردن استقبال مردم نمونه خوبی باشد برای برگزارکنندگان این اعیاد ایرانی-اسلامی در ایران.

سوای نوروز در تاجیکستان، اگر چگونگی برگزاری عید سعید فطر را بخواهیم میان خودمان و کشورهای منطقه قیاس بگیریم، عملکرد ضعیف ارشاد در سال مراسم‌های ابتدای سال ۱۴۰۴ عیان‌تر می‌شود. در همین کشورهای همسایه‌مان مراسم‌های نوروز و عیدفطر به جای آنکه در دو مراسم خنثی خلاصه شوند، با استفاده از ظرفیت مردم برگزار می‌شود و سعی دولت‌ها بر این است که تا جای ممکن، اعیاد را به صورت جمعی برگزار کنند. این در حالی است که عملاً وزارت ارشاد برای عید فطر هیچ برنامه‌ای نداشت و پس از عید سعید فطر تنها سمفونی نوروز را در تالار وحدت برگزار کرد، مراسمی که آن هم برای قشر عمومی جامعه نبود و از طرف خبرگزاری‌ها پوشش داده نشد.

اگر دولت بنا داشته که دو مراسم محدود برگزار کند، که این موضوع به دلیل وضعیت بودجه ارشاد منطقی به نظر می‌رسد، بهتر نبود انتخابی بهتر از

سمفونی را پیش ببرد؟ حدود چند ماه قبل گفت‌وگویی داشتیم با یکی از مسئولان فرهنگی کشور که مسئولیت کارهای فرهنگی گسترده در سطح یکی از شهرهای بزرگ کشور را برعهده داشت. یکی از سؤال‌هایی که از این مسئول مربوطه داشتیم درباره چرایی عدم تولید موسیقی برای شهرشان بود، مسئول مربوطه پاسخ قابل توجهی داد: «آیا پیش از این سمفونی‌های مناسبی‌ای که ساخته شده مخاطب عمومی داشته؟» پاسخ مسئول مربوطه بسیار قانع‌کننده به نظر می‌رسد. البته نباید این موضوع را فراموش کنیم که دولت در موسیقی و ترویج موسیقی فاخر هم نقش دارد، اما اگر بنا باشند بودجه محدودی را برای یک فعالیت فرهنگی و مردمی هزینه‌کند آیا آن ساخت و اجرای سمفونی است؟ آیا این مدل از کنشگری بیش از آنکه بتواند شادی عمومی ایجاد کند، بهره‌وری از بودجه ارشاد را کاهش نمی‌دهد؟

شفافیت تنها صورت‌حساب‌نشان دادن نیست

این تنها پروژه‌های فیزیکی و مربوط به وزارت صنعت و معدن و مسکن نیستند که هنگام شکست خوردنشان نیاز به توضیح داشته باشند، بلکه پروژه‌های معنوی و فرهنگی در صورت نتیجه‌بخش نبودن و عدم اقبال عمومی به توضیح دلایل شکستشان توسط دولت برگزارکننده نیاز دارند، بخصوص در زمانی که گفتمان دولت وفاق و بنا بر قول وزیر، حلقه اتصال وفاق میان مردم و مسئولان وزارت ارشاد و عملکرد این وزارتخانه است. عملکردی که عمده آن ذیل عملکرد معنوی به حساب می‌آید. ارشاد سیدعباس صالحی اگر می‌خواهد به وعده‌های شفافیتش که در برنامه ۱۷ صفحه‌ای او آمده(برنامه تقدیمی به مجلس برای تأیید صلاحیت) پایبند باشد، نیاز دارد عملکرد معنوی وزارتخانه خود را هم بیان کند و آن‌ها را هم به گونه نقد بکشد.

اگر دو مراسمی که مسئولیت اجرای آن را ایوبی داشته، صرفاً برای مسئولان رده بالا بوده، دولت باید توضیح دهد که دقیقاً دلیل این اتفاق چیست؟ چون از میان مسئولان بین‌المللی تنها نمایندگان یونسکو و سازمان ملل در این مراسم‌ها حضور داشته‌اند، حضور سفرا در آن بسیار کم‌رنگ است. از طرفی اگر این مراسم‌ها برای مردم بوده و توانسته به مخاطب هدف اصابت کند، دولت باید دلایل این اتفاق را شرح دهد، زیرا مردم نشان داده‌اند که نسبت به مراسم‌های شادی برگزار شده در کشور، حتی در بی‌برنامه‌ترین موارد آن، حضور به هم می‌رسانند و از آن استقبال می‌کنند. کما اینکه از مراسم بدون تبلیغ و سر برج آزادی هم استقبال کردند.

به نظر می‌رسد دولت اگر می‌خواهد جشن‌هایی در حد و اندازه غربی‌ها برگزار کند بهتر است در ابتدا مخاطبانش را بشناسد و بعد به فکر هنرینه‌های ۲۰ میلیاردي بفتد، هنرینه‌هایی که اگر همین گونه و بدون بهره‌وری و شفافیت به خرج برسد، وضعیت بودجه وزارت ارشاد بدتر از شرایط فعلی خواهد شد.

شده روی چمن کنار گل‌های محمدی... طرفی پر از میوه‌های تازه روی میز... خدمتکاری مشغول به آوردن چای یا چاق کردن قلیان برای ارباب. شاید دوستانی هم در کنار یا در راه... آماده برای سبزی کردن ضیافتی خاطره‌برانگیز... شاید گروه موسیقی در اتاقی سربسته و درسته گرم و مهبای کوک کردن سازه‌ها... شاید خدمتکاران عمارت به تندی و شتاب در کار به سرانجام رساندن غذای ضیافت و مستخدمه‌ای پیر مشغول غرزدن بر سسر مستخدمه‌های جوان‌تر و کم‌تجربه‌تر که به کار دل نمی‌دهند و گوش نمی‌کنند و هیچ بلد نیستند و فقط زیر لب پی‌پیج می‌کنند و می‌خندند. شاید پشت عمارت متقل‌ها آماده برای درست کردن کباب ناهار؛ همان‌جا که دیگ‌های پر و پیمان برنج و آش‌رشته و خورش مشغول جا افتادن روی آتش خوش‌عطر هیز می‌هستند.

و تومی‌توانی همه این‌ها را به‌خیال مجسم کنی اما در هیچ کدام از این تصویرها و تصویرسازی‌ها، نمی‌توانی به علی نصیریان نقشی فراخور حالش ندهی. او همان پیرمرد نقش اول است. شازده‌ای قجری و سالخورده، منتظر دوستانش. چشمه خیال می‌جوشت و تو مهمانی را مجسم می‌کنی انگار که کارگردان و سناریست اثری فاخر و تماشایی هستی.

محمدعلی کشاورز، دایی جان سرهنگ سرحالی است که به مهمانی خان قجری آمده. عزت‌الله انتظامی، خان مظفری است که بدین میهمانی دعوت شده جهت دور شدن از فضای ترور نافرجاش در قصبه هزار دستان. داوود رشیدی هم هست. مفتش شش انگشتی که اهل خوردن غذاها و طعم لذیذ است و برای تأمین امنیت مهمانی دعوتش کرده‌اند؛ و صد البته که مهمان آخر، جمشید مشایخی است که مدتها در این قصر مهمان است برای کشیدن تابلوی منظوم باغ.

و تومی‌دانی که این پنج تن اگر دور هم جمع شوند، دیگر نه کارگردان نیاز است نه فیلمنامه‌نویس. خودشان طوری فضا و بازی را می‌گردانند که روح علی حاتمی شاد شود.

و این است آداب نوشتن از علی نصیریان. از بزرگ سینمای ایران که هنوز

الکساندر بین رئیس داوران جشنواره ونیز شد

الکساندر بین، کارگردان آمریکایی فیلم‌هایی چون «بازماندگان»، «راه‌های فرعی»، «نبراسکا» و «زادگان»، ریاست هیئت‌داوران بین‌المللی بخش مسابقه رسمی در هشتادودومین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز را برعهده خواهد داشت.

وی پس از پذیرش این مسئولیت گفت: «رئیس هیئت‌داوران شدن در ونیز افتخار بزرگی برای من است. هر چند به‌عنوان فیلمسازی که همواره نگاهی دوگانه به مقایسه آثار هنری دارد، به تاریخچه نزدیک به صدساله جشنواره فیلم ونیز که فیلم را به‌عنوان یک هنر فریاد می‌زند، احترام فراوان می‌گذارم.» آلبرتو باربارا نیز در این باره گفت: «الکساندر بین به گروه کوچک فیلم‌سازی تعلق دارد که عشق به سینما را با دانشی عمیق از آثار گذشته و کنجکاوی نسبت به سینمای معاصر در سرتاسر جهان پیوند زده‌اند، بدون هیچ‌هرز یا محدودیتی. این ویژگی‌ها به همراه تجربه ارزشمندش به‌عنوان فیلمنامه‌نویس، او را به گزینه‌ای ایدئال برای ریاست هیئت‌داوران ونیز بدل کرده است.»

فرهیختگان

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

شماره ۴۳۹۸

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

۱۳



نفس گرمش پشتوانه سینمای ورشکسته این روزهاست. که اسمش را تریلی نمی‌کشد و بازتماشای فیلم‌ها و آثارش وقت می‌گیرد و لذت بردن از کارهایش آسان‌ترین کار دنیاست. مردی که می‌توانی با تلو تلو خوردن‌هایش به وقت دیدن پسر کم‌شده‌اش یوسف، قد یک رودخانه گریه کنی.

چشم مایی آقا. برای نوشتن از شما من هنوز خام و کم‌تجربه‌ام. شاید فقط در این حد و اندازه باشم که آداب نوشتن از امثال شما را یاد جوان‌ترها بدهم. چشم مایی.

خروجی جشن نوروزی وزارت ارشاد چه بود؟

خروجی جشن نوروزی وزارت ارشاد چه بود؟

